

آسیب‌شناسی شبکه‌های استانی



● محمد حنیف
دانشجوی دکتری تاریخ

اهمیت موضوع

چرا آسیب‌شناسی شبکه‌های استانی؟ آیا رادیوهای سراسری، رادیوهای تخصصی و فراتر از آن رادیوهای شهری زمینه مناسب‌تری برای طرح آسیب‌شناسی ندارند؟ واقعیت این است که هر رسانه‌ای مادام که مخاطبی دارد و در حال پویایی است و سیاست‌گذارانش به ارتقای سطح آن اهمیت می‌دهند، نیاز به آسیب‌شناسی دارد. اما اگر در شرایط کنونی بخواهیم حساس‌ترین و آسیب‌پذیرترین شبکه‌های رادیویی را انتخاب کنیم، بی‌شک باید به شبکه‌های استانی صدا بپردازیم. دلایل متعددی برای طرح این ادعا وجود دارد که مهم‌ترین آنها از این قرارند:

۱. بدون شک شبکه‌های سراسری مخاطبان بسیاری دارند. مخاطبان شبکه‌های استانی از نظر کمیت و کیفیت به هیچ‌وجه قابل مقایسه با شبکه‌های سراسری نیست. اما واقعیت این است که ده‌ها سال از عمر شبکه‌های سراسری صدا می‌گذرد و این شبکه‌ها با عبور از تونل زمان چنان صیقل خورده‌اند که امروز دیگر از آن زمختی‌های گذشته نشانی ندارند. به عبارتی آنچه اینک این پیر رسانه‌های صوتی ایران در خشت خام می‌بیند، رسانه جوان استانی در آینه هم توان دیدن آن را ندارد.

مخاطبان این شبکه در طول دهه‌های گذشته سنگ صبور خود را از اندرزه‌های دلسوزانه‌شان هم بی‌نصیب نگذاشته‌اند. عوامل این شبکه نیز بی‌شک امروزه وارث

هزارها آزمایش و خطای اسلاف خودند، و این در حالی است که شبکه‌های استانی و رادیوهای شهری هنوز سنگلاخ‌های پیش رو را می‌کوبند. هرچند باید رادیوهای تخصصی را از این آسیب‌میرا دانست، چرا که شبکه‌های تخصصی همچون شبکه‌های ورزش، گفت‌وگو، سلامت و... معمولاً به‌دست پیران رادیو گردانده می‌شوند و مدیران باسابقه نیز بر روند تولید برنامه‌های این شبکه‌ها نظارت دارند، درحالی‌که معمولاً میانگین سن تجربی تهیه‌کنندگان شبکه‌های استانی و رادیوهای شهری بسیار کمتر از شبکه‌های سراسری و شبکه‌های تخصصی است.

۲. شاید در نگاه اول چنین به نظر برسد که رادیوهای شهری به‌نسبت رادیوهای استانی از سابقه کمتری برخوردارند و بسیاری از تهیه‌کنندگان آنها شاید دوره‌های کامل تهیه‌کنندگی را هم ندیده باشند، درحالی‌که شبکه‌های استانی خلف رادیوهای استانی با وظیفه تولید محدودتری هستند و در نتیجه اگر نه همپای شبکه‌های سراسری ولی می‌توان ادعا نمود که ستون‌های کاری بسیاری از این شبکه‌ها امروزه در میان‌سالگی کاری خود قرار دارند. باین‌حال شرایط خاص رادیوهای استانی به‌گونه‌ای است که احتمال بروز آسیب‌های بزرگ از جانب آن غیرمتصور نیست. وضعیت ویژه تقسیمات کشوری و رقابت بین شهرهای یک استان می‌تواند زمینه‌ساز چنین مشکلاتی گردد.

در تقسیمات کشوری تنها عوامل فرهنگی لحاظ نشده است و در اعمال این تقسیمات معمولاً عوامل سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی نیز دخیل بوده‌اند. لذا در یک استان حوزه‌های فرهنگی متعددی وجود دارد که بی‌توجهی به هر یک از آنها در روند برنامه‌سازی می‌تواند زمینه اختلال در امنیت منطقه را فراهم آورد. به‌عنوان مثال در استان فارس علاوه بر شیرازی‌ها، تعداد کثیری از ترک‌زبان‌ها، عرب‌زبان‌ها و لر‌ها زندگی می‌کنند. در خراسان نیز علاوه بر خراسانی‌های اصیل، اقوامی از کرد، لر و ترکمن به حیات خود ادامه می‌دهند. در لرستان نیز به جز لر‌ها، لک‌ها، بروجردی‌ها و بختیاری‌ها دارای جمعیت قابل توجهی هستند. در شمال نیز به جز گیلک‌ها و مازنی‌ها، ترک‌ها، کردها، گرجی‌ها، ارمنی‌ها، ترکمن‌ها و... زندگی می‌کنند. این موضوع مهمی است که درجه حساسیت برنامه‌سازی در استان‌ها را نسبت به شهرها بالاتر می‌برد، زیرا با اعمال کوچک‌ترین بی‌دقتی در برنامه‌سازی ممکن است آتش عناد میان این حوزه‌های مختلف فرهنگی شعله‌ور گردد.

درست است که در شهرهای ایران نیز شاهد حضور غیربومی‌ها هستیم، اما این افراد یا به‌دلایل معیشتی مهاجرت کرده‌اند، یا از زمره مأموران دولتی‌اند که پس از چند صباحی به موطن اصلی خود بازمی‌گردند و معمولاً فرزندان دسته اول، خود در فرهنگ این شهرها حل می‌شوند، از طرفی تعداد آنها اصولاً قابل قیاس با جمعیت ساکنان اصلی شهر نیست. لذا یک‌صدایی در اغلب رادیوهای شهری مشکلی پیش نمی‌آورد، درحالی‌که یک‌صدایی در شبکه‌های استانی به‌منزله از دست دادن طیف وسیعی از مخاطبان و احتمال تشدید درگیری‌های قومی، قبیله‌ای و در نهایت احتمال بروز ناامنی ملی خواهد بود.

تا گذشته‌ای نه‌چندان دور درگیری‌های حیدری-نعمتی بین محلات مختلف یک شهر وجود داشت و این امر حتی امروز هم در پاره‌ای از شهرهای خیلی کوچک و در خلال عزاداری‌های ماه محرم خود را نشان می‌دهد. ولی شرایط زندگی در بسیاری از شهرهای بزرگ‌تر به‌گونه‌ای است که علقه‌های محله‌ای قوی پا نمی‌گیرد و اصولاً تضادهای گذشته بین محلات یک شهر به‌دلیل جابه‌جایی‌ها و

ساخت‌وسازها و تغییرات وسیع در معماری و... تا حدود زیادی فراموش شده است، درحالی‌که هنوز هم در برخی استان‌های کشور عامه مردم بعضی شهرها به‌دلیل زمینه‌های تاریخی و فرهنگی تحریک‌پذیری بالایی دارند. بی‌توجهی به این زمینه‌ها می‌تواند در امنیت یک استان و در نهایت در همبستگی ملی اختلال ایجاد کند. شهرهایی همچون شوشتر و دزفول، شاهرود و سمنان، بروجرد و خرم‌آباد و... از این شمارند.

۳. شرایط ویژه برخی استان‌های مرزی، خصوصاً در مناطقی که مردم استان‌های مورد نظر با اکثریت مردم کشور هم‌جوار هم‌بازند بر اهمیت این موضوع می‌افزاید.

رادیوهای سراسری به‌دلیل استفاده از زبان فارسی که زبانی فراقومی محسوب می‌شود و تأکید بر جنبه‌های مختلف فرهنگ عمومی از این آسیب‌میرا هستند. شبکه‌های تخصصی نیز اصولاً کمتر به وادی سیاست‌زدگی می‌افتند. اما شبکه‌های استانی صدا و تا حدودی رادیوهای شهری می‌توانند زمینه مناسبی برای رشد طمعکاران نابکار غیرایرانی باشند. به‌همین دلیل است که اصولاً فعالان حوزه امنیتی کشور با تأکید بر تعیین هرچه بیشتر و مشخص‌تر حد و مرزهای فرهنگی این نواحی با هم‌زبانان برون‌مرزی‌شان، به تقویت هویت ملی بر مبنای فرهنگ ایرانی-اسلامی و احتراز از تقویت پیوندهای نژادی ابرام می‌ورزند.

۴. شبکه‌های استانی صدا با توجه به تعهدشان مبنی بر پرداختن به فرهنگ بومی، می‌توانند نقش سازنده‌ای در حفظ جنبه‌های مثبت فرهنگ محلی ایفا کنند و از این طریق ضمن تقویت جاذبه‌های فرهنگی منطقه که در نهایت به جذب گردشگر و رونق هرچه بیشتر اقتصادی منطقه و کشور می‌انجامد، به‌مثابه سدی در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه عمل کنند. اما همین امر می‌تواند به آسیب‌هایی نیز بینجامد. به‌عنوان مثال شبکه‌های استانی صدا با تعهد استفاده از زبان و گویش محلی، روند تقویت زبان ملی را تقلیل می‌دهند و این خود می‌تواند آهنگ پیوستگی ملی و گرایش به فرهنگ عمومی را کند سازد.

۵. شبکه‌های استانی صدا به‌طور طبیعی می‌توانند مانعی برای همگرایی مردم استان با مردم دیگر مناطق محسوب شوند، زیرا تعهد شبکه‌های استانی به تولید برنامه‌هایی از فرهنگ بومی و پخش نکردن برنامه‌هایی از فرهنگ‌های دیگر مناطق کشور در این شبکه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پدید آمدن چنین آسیبی باشد.

۶. بسیاری از زبان‌های محلی و گویش‌های بومی معمولاً از دایره واژگانی محدودتری نسبت به زبان فارسی برخوردارند و این امر می‌تواند به توسعه فرهنگی استان لطمه وارد سازد.

هرچند آسیب‌های فوق می‌تواند بر

چون اغلب استان‌های ایران از زبان‌ها و گویش‌های متفاوتی برخوردارند، تکلم گویندگان به یک زبان یا گویش خاص باعث ایجاد شائبه یک‌جانبه‌نگری از سوی متولیان صدا خواهد شد؛ لذا توصیه می‌شود که به‌گونه‌ای در برنامه‌ها تکلم شود که حتی صاحبان لهجه‌های غریب استان نیز شبکه استانی را صدای خود بدانند.



شبکه‌های استانی وارد باشد، اما تأکید قانون

اساسی بر استفاده از

زبان‌های محلی

و قومی در

مطبوعات و

رسانه‌های

گروهی و

حتی تدریس

زبان بومی

اقوام گوناگون

در مدارس، آن هم در کنار

زبان فارسی و همچنین حق طبیعی

مردم دورافتاده‌ترین نقاط مبنی بر استفاده

بهتر از رسانه و فهم آسان‌تر آن که مسلماً

- خصوصاً برای عامه مردم - با زبان محلی

سهل‌تر انجام خواهد گرفت، و بالأخره با

عنایت به این مهم که ذات رسانه در راستای

تقویت ناسیونالیسم، قوم‌گرایی و تقویت

نیروهای گریز از مرکز نیست بلکه اتفاقاً شناخت و استفاده

از رسانه به تفاهم بیشتر خواهد انجامید، و در نهایت با

توجه به این واقعیت که امروزه اغلب استان‌های ایران از

شبکه‌های استانی صدا برخوردارند، بهتر این است به جای

بحث درباره ضرورت وجود این شبکه‌ها، به راه‌های مقابله

با آسیب‌های احتمالی واردآمده بر این شبکه‌ها بپردازیم.^۱

راهکارها

- تهیه‌کنندگان رادیو باید پیش از شروع به کار خود،

علاوه بر دوره‌های فنی، یک دوره فشرده درسی در مورد

تاریخ استان، خصوصیات فرهنگی و آداب و رسوم آن

بگذرانند. این مهم حتی برای افراد بومی نیز ضروری است

زیرا بسیاری از ایشان شناخت درستی از تاریخ و فرهنگ

استان خود ندارند. گذراندن این دوره نه تنها به شناخت

بیشتر آنها از مخاطب و نیازهای او می‌انجامد، بلکه دید

برنامه‌سازان را برای ساخت برنامه‌ای مفید و لازم‌الاجرا

می‌برد و حتی مانع نزدیک شدن به خط‌قرمزهای فرهنگی

می‌شود.

از سویی در بین برخی شهرهای یک استان، به دلایلی

مختلف از جمله درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، سیاست‌های

استعماری و تفرقه‌افکنانه رژیم گذشته و زمینه‌های دیگر،

دشمنی‌های دیرینه‌ای وجود دارد که برنامه‌ساز رادیویی با

شناخت آن زمینه‌ها، از تشدید چنین برخوردهایی ممانعت

به عمل خواهد آورد.

- عوامل تولید در استان‌هایی که پیروان ادیان، مذاهب

و فرقه‌های مختلف دینی در آن زندگی می‌کنند، باید در

برنامه‌سازی‌ها حساسیت لازم را در این زمینه در نظر بگیرند.

- چون اغلب استان‌های ایران از زبان‌ها و گویش‌های

متفاوتی برخوردارند، تکلم گویندگان به یک زبان یا

گویش خاص باعث ایجاد شائبه یک‌جانبه‌نگری از سوی

متولیان صدا خواهد شد، لذا توصیه می‌شود که به گونه‌ای

در برنامه‌ها تکلم شود که حتی صاحبان لهجه‌های غریب

استان نیز شبکه استانی را صدای خود بدانند.^۲

- با توجه به اینکه حاکمیت یک فرهنگ مسلط بر

جوامع از عوامل مهم ضمانت ایجاد و استمرار وحدت

شمرده می‌شود، شبکه‌های استانی موظف‌اند که شاخصه‌های

فرهنگ بومی را در راستای فرهنگ مسلط ملی (ایرانی-اسلامی) سوق دهند.

- هرچند استفاده از زبان و گویش محلی باعث ایجاد

جذابیت در مخاطب می‌شود، اما بهتر است که شبکه‌های

استانی صدا، زبان فارسی را به‌عنوان زبانی فراقومی تبیین و

به مخاطب بومی القا کنند که تقویت زبان فارسی به معنای

نفی زبان‌ها و گویش‌های دیگر نیست.

- شبکه‌های استانی با تهیه برنامه‌هایی از مراسم سور

و سوگ ملی و مذهبی یک استان و پخش مستمر آن از

شبکه‌های سراسری می‌توانند علاوه بر شناساندن جنبه‌های

مثبت فرهنگی یک استان، از این طریق به تفاهم ملی کمک

کنند.

- شبکه‌های استانی می‌توانند با ایجاد ارتباط به

شبکه‌های استانی دیگر، خصوصاً در مناسبت‌های خاص،

به پخش برنامه‌هایی از آداب و رسوم قومی و دینی ایشان

اقدام و از این طریق به همبستگی و شناخت ملی کمک

کنند.

- برنامه‌سازان شبکه‌های استانی صدا نباید در برنامه‌های

طنز، لهجه خاصی را مورد تمسخر قرار دهند.

- برنامه‌سازان شبکه‌های استانی صدا نباید نمادهای

قومی - قبیله‌ای را در مقابل نمادهای ملی قرار دهند و در

طرح این نمادها به ضرورت بالاتر بودن وزن نمادهای ملی

در مقابل نمادها و نشانه‌های محلی توجه کنند.

پی‌نوشت:

۱. پیش از راه‌اندازی شبکه‌های استانی وظیفه اولیه صدای استان‌ها،

تقویت برنامه‌های شبکه‌های سراسری و پخش اخبار و تولید چند

برنامه مشخص بود که کلیت این برنامه‌ها نیز توسط برنامه‌ریزان

تهران تصویب می‌شد. اما کم‌کم صدای مراکز قدرت بیشتری

یافتند و با تشکیل شوراهای طرح و برنامه، شبکه‌های استانی به

استقلال بیشتری رسیدند.

۲. بعضی بر این باورند که در استخدام افراد شبکه‌های استانی خصوصاً

گویندگان باید توزیع مناسب و عادلانه زبانی صورت بگیرد.